

تزام کاری و اشتغال زوجه با اذن همسر از دیدگاه فقه اهل بیت علیهم السلام

واهل سنت

نقیسه سادات هاشمی^۱

چکیده

در فقه زنان و احکام فقهی به اتفاق تمام مذاهب، پیوند زناشویی حقوقی را برای هر یک از همسران به همراه می آورد که متناسب با جایگاه اجتماعی اوست. در قبال این امتیاز از زن خواسته شده است که برای انجام برخی فعالیت‌ها و رفت‌وآمدها نظر همسر و اجازه وی را کسب کند. گستره مواردی که در آنها زن موظف به کسب اجازه از شوهر است موضوعی است که میان مذاهب مختلف اسلامی و بلکه میان مجتهدان یک مذهب، آرا و فتاوای مختلفی را پدید آورده است. از نظر مبانی فقهی، مسئله اذن زوجه از زوج در آیات به صورت اشاره و در روایات به طور صریح مطرح شده است. به مقتضای آیه سی و چهار سوره نساء مرد به دلیل برخورداری از توانمندی‌هایی که دست آفرینش در خلقت او به ودیعت نهاده و نیز به دلیل پرداخت نفقه و تأمین هزینه‌های زندگی، قیم و سرپرست خانواده و همسرش است. در مقابل از زن خواسته شده است از شوهر خود اطاعت کند. از لوازم پذیرش این نظام مدیریتی آن است که زن از کارهای غیر واجب که مزاحم حق شوهر است، اجتناب کند و برای بیرون رفتن از منزل از شوهر کسب اجازه کند. مسئله مورد نظر با صراحت و تأکید بیشتری در روایات شیعه و اهل سنت مورد توجه قرار گرفته است. برخی از این روایات، احکام اطاعت زن از شوهر را مطرح کرده است و خروج زن از منزل بدون اذن شوهر را موجب سقوط نفقه وی می‌داند. با توجه به مبانی فقهی، نوع نگاه فقهای اسلامی در ادوار هشتگانه فقه شیعه و مقاطع چهارگانه فقه اهل سنت به مسئله «اذن همسر متغیر بوده، فراز و فرودهایی را تجربه کرده است. اگرچه عموم فقهای متقدم امامیه و اهل سنت، مسئله اذن همسر را موضوعی مستقل

^۱ دانش پژوه دکتری فقه مقارن، گروه علمی-تربیتی فقه و اصول، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی صلی الله علیه و آله العالمیه، افغانستان.

از حق تمتع زوج وبحث تمکین دانسته‌اند، ولی با این حال، فقهای متأخر از زاویه دیگری به مسئله نگریسته‌اند و ضرورت کسب اجازه از شوهر را منحصر در مواردی می‌دانند که با حق تمتع وی در ارتباط است. در پرتو دیدگاه اخیر، هرگونه فعالیتی که مزاحمتی با حقوق شوهر نداشته باشد و از این رهگذر تهدیدی برای بنیان خانواده محسوب نشود نیاز به اجازه شوهر ندارد. عبادت‌های مستحبی، هبه، صدقات و موضوع اشتغال زن نیز همگی مشمول این اصل کلی است. از سوی دیگر با توجه به اینکه تمام فقها نشوز را بیزاری و تصمیم به طلاق دانسته‌اند، نمی‌توان مخالفت‌های ناچیز همسر و خارج شدن‌های جزئی وی از منزل را مصداقی از نشوز دانست. همچنین راهکاری که تحت عنوان شرط ضمن عقد در نظام فقهی- حقوقی اسلام تعبیه شده است، می‌تواند در مسئله حاضر راهگشا باشد. اگرچه مدیریت مرد در خانواده از احکام اولیه فقهی است، اما شارع حکیم احکام ثانویه‌ای را نیز پیش‌بینی کرده است که به تناسب شرایط، زمان و مکان، ظرفیت‌هایی را برای تغییر در احکام اولیه فراهم می‌کند. شروط ضمن عقد در واقع بهره‌گرفتن از این ظرفیت‌هاست که با استمداد از آن زن می‌تواند ضمن عقد ازدواج، شروطی چون تعلم، انجام فعالیت‌های اجتماعی، اشتغال، انجام عبادت‌های مستحبی و... را لحاظ کند و مرد را در طول زندگی زناشویی به پذیرش آن پایبند کند.

واژگان کلیدی: تراحم، اشتغال، اذن.

مقدمه

توجه دین اسلام به همه زوایای زندگی بشر و تأکید آموزه‌های دینی بر اهتمام مسلمین به امور جامعه، مستلزم حضور زنان در صحنه جامعه است. اشتغال زن به فعالیت‌های اجتماعی گاه در تعارض با برخی از حقوق ناشی از زوجیت مانند حق استمتاع مرد و سایر مسئولیت‌های زن مانند نظارت بر تربیت فرزندان و... است. محروم کردن زن از فعالیت‌های اجتماعی به بهانه عدم انجام وظایف نه تنها با شأن انسانی زن منافات دارد بلکه موجب ایراد ضرر بر وی و جامعه است. بنابراین، منع فعالیت اجتماعی زن موجب دو ضرر می‌شود: ضرری که ممکن است به مرد و خانواده وارد شود و ضرری که ممکن است به زن و جامعه وارد شود. یکی از راه‌حل‌های این مسئله، اشاره به جریان قاعده لاضرر است. ضابطه عمومی فقها این است که در مواردی که دو ضرر متزاحم دارای شدت وضعف هستند، بنابراین درجه شدت وضعف

متفاوت هستند. اگر ضرر قابل اغماض باشد مرد نمی‌تواند از فعالیت‌های اجتماعی زن ممانعت کند، ولی اگر ضرر، غیرقابل اغماض باشد، اشتغال زن به فعالیت‌های اجتماعی تجویز نمی‌شود. اگر وضعیت دو ضرر مساوی باشد، فقها مراجعه به عموماً یا توسل به قرعه را برگزیده‌اند.

اهمیت و ابعاد اصل کارکردن زن در بیرون از منزل از نظر شرعی اشکال ندارد، ولی اسلام برای حضور زن در عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی، حدود و ضوابطی را قرار داده است. پیامبر گرامی اسلام ﷺ هیچ بنیانی را در اسلام محبوب‌تر از ازدواج و تشکیل خانواده نمی‌داند. با وجود این مسئله همواره مسائلی وجود دارد که این نهاد حساس و مهم را با فرازونشیب‌هایی مواجه کرده است و گاه موجودیت آن را تهدید می‌کند. تغییر موقعیت اجتماعی زنان پس از پیروزی انقلاب اسلامی و حضور گسترده آنان به عنوان بخشی از جمعیت فعال جامعه در عرصه‌های مختلف اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و... یکی از مهمترین مسائلی است که امروزه خانواده و اعضای آن را با مسائل پیچیده‌ای مواجه کرده است. با وقوع عقد ازدواج، حقوق و تکالیف زوجین در برابر یکدیگر برقرار می‌شود و طرفین مکلف به رعایت حقوق یکدیگرند. مهمترین سؤال پژوهش حاضر این است که آیا فعالیت‌های اجتماعی زن که مستلزم حضور فیزیکی و غیر فیزیکی مانند فعالیت در فضاهای مجازی در صحنه اجتماع است تراحمی با تکالیف وی در قبال مرد دارد یا خیر. در صورت مثبت بودن پاسخ، نقش و جایگاه قاعده لاضرر در رفع این تراحم چیست. آیا جاری کردن قاعده لاضرر در جهت منافع و حقوق مرد و در نتیجه ممانعت از فعالیت‌های اجتماعی زن، مستلزم بروز ضرر در جانب زن به علت محروم کردن وی از حق مسلم نیست. آیا می‌توان مصلحت فرد (مرد) را بر مصلحت جامعه ترجیح داد.

ضرورت حل این معضل، نگارنده را بر آن داشت که با بررسی تراحم کار و اشتغال زوج با اذن همسر از دیدگاه فقه اهل بیت علیهم‌السلام و اهل سنت در ارتباط با فعالیت‌های اجتماعی زن با استمداد از آیات، روایات، عقل و اجماع در عرصه فقه پاسخی برای پرسش‌های یادشده بیابد. فرضیه مورد نظر در مقاله حاضر عبارت است از اینکه انجام فعالیت‌های اجتماعی توسط زن با ایفای تعهدات خانوادگی سازگاری دارد. براین اساس، مطالب منظور، حالات مختلف خروج زوج، ادله قائلین به جواز خروج و ادله قائلین

به عدم جواز و تراحم کار زوجه با اذن همسر ارائه می‌شود. زن از زمان‌های قدیم تا امروز غیر از خانه‌داری در امور مختلف کشاورزی، گله‌داری، صنایع دستی و حتی امور نظامی، دوش به دوش مردان مشغول فعالیت بوده است، ولی در دوره‌هایی که خانواده، یک واحد اقتصادی نیز بوده است فعالیت‌های تولیدی زن که در خانه و یا نزدیکی آن انجام می‌گرفته است جزء امور خانگی محسوب می‌شده و زن در ازای آن، کارمزدی دریافت نمی‌کرده است.

با وقوع انقلاب صنعتی در اروپای غربی و تبدیل کارگاه‌های خانگی به کارخانه‌ها و تبدیل نیروی انسان به نیروی ماشینی، تحولات اساسی در شکل و مفهوم کار به وجود آمد و فعالیت اقتصادی زن در مقابل دریافت مزد از خانه به کارخانه کشیده شد. از آن زمان به بعد زنان با تحصیل علم در سطوح بالاتر علاوه بر فعالیت‌های تولیدی در سایر زمینه‌ها و در پست‌های گوناگون مشغول به کار شدند. در بیشتر کشورهای صنعتی که تساوی زن و مرد از نظر حقوق اجتماعی علاوه بر اینکه شکل مدون و قانونی به خود گرفته مورد توافق اکثریت نیز هست حدود نیمی از نیروی کار را زنان تشکیل می‌دهند. بنابراین در این کشورها این سؤال که آیا زن می‌تواند در خارج از خانه کار کند، کمتر مطرح است، پس وضعیت اشتغال زنان در سطوح خرد و کلان و از جهات گوناگون از زمینه‌های با ارزش در تحقیقات اجتماعی است.

۲. مفهوم‌شناسی

۲-۱. تراحم

تراحم در لغت به معنای گردآمدن گروهی بر چیزی، تلاطم امواج و راندن برخی از آنها برخی دیگر را در یک تنگناست. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۱۲/ ۲۶۲) تراحم در اصطلاح عبارت است از تنافی دو حکم دارای ملاک در مقام امتثال به سبب آنکه مکلف به انجام هر دو در یک زمان قادر نیست (صدر، ۱۳۹۸، ۲۶/۷).

۲-۲. اشتغال

اشتغال مصدر افتعال به معنای مشغول شدن، به چیزی پرداختن و به کار سرگرم بودن است. همچنین توجه قلبی به کسی یا کاری را اشتغال گویند. (نوروزی و مریدی، ۱۳۷۳، ص ۷۴۲؛ دهخدا، ۱۳۷۷، ص ۳۳۶۲) اشتغال در فرهنگ اقتصادی به معنای مشغول به کار آمده است. تطابق نیروی انسانی با

فرصت‌های شغلی و درجه تطبیق این نیروها با حرفه‌های فعالیت‌های موجود در یک جامعه اشتغال شامل هر فعالیتی است که انسان اعم از زن و مرد در خانه یا بیرون از خانه انجام می‌دهد. برخی می‌گویند فعالیت‌های اقتصادی زنان در بخش رسمی، اشتغال نامیده می‌شود. منظور از بخش رسمی، اقتصادی، صنعت، خدمات و آن بخش از کشاوری که دارای نیروی کار فردبگیر باشد. (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۰، ۱۳۱/۱). به نظر می‌رسد تعریف دوم، یعنی، به حساب آوردن کار درون خانه به عنوان اشتغال مناسب‌تر و به عدالت نزدیک‌تر است.

۳-۲. مفهوم اذن

اذن در لغت به معنای علم، رخصت و اباحه، استماع و فرمان آمده است. (نجفی، ۱۴۰۴، ۲۰۶۸/۵) و در اصطلاح فقه، اذن به رخصت دادن و اعلام رضایت معنا شده است (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۰، ۱۳۱/۱). گروهی آن را از ایقاعات دانسته‌اند (خوانساری، ۱۳۵۵، ۴۷۶/۳). معامله‌ای که به دوطرف نیازمند نیست. بنابراین در تفاوت اذن و رضایت می‌توان گفت که رضایت، ملایمت نفس با شیء بدون اظهار مانع است، ولی اذن، اعلام رضایت است (طباطبایی، ۱۳۷۸، ۳۹/۱۹). از سخنان برخی استفاده می‌شود که اذن، اعلام رخصت و رضایت پیش از تصرف و عمل و اجازه، ابراز رضایت پس از عمل است (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ۱۰۴/۲).

۲-۴. مفهوم فقه

فقه در لغت به معنای دانستن و فهمیدن است. به معنای درک کردن چیزهای مخفی نیز آمده است. (نجفی، ۱۴۰۴، ۲۲۴۳/۶؛ فیروزآبادی، ۱۴۱۵، ۲۸۹/۴؛ ابن فارس، ۱۴۰۴، ۴۴۲/۴) فقه به معنای مطلق فهم و ادراک و دانش، علم به چیزی، درک و فهم آن چیز، دانستن، فهمیدن، فهم دقیق چیزی، درک اشیاء مخفی، فهم اشیاء دقیق، درک منظور و هدف گوینده، فهم دقیق مسائل نظری، جودت ذهن و سرعت انتقال و پی‌بردن از معلومات حاضر به معلومات غایب به کار رفته است (جمعی از پژوهشگران، ۱۴۲۳، ۱۷/۱).

۲-۴-۱. فقه در اصطلاح فقها و اندیشمندان دین

در شریعت اسلام هر قانون الهی، حکم نامیده می‌شود (مطهری، ۱۳۷۸، ص ۵۴) و هر حکم، مشخص‌کننده وظیفه‌ای است که خداوند متعال در مورد هر یک از کارهای بندگان از آنها انتظار دارد. هدف این احکام این است که انسان عمل خاصی را در خارج انجام دهد یا ترک کند یا اینکه نسبت به ترک یا انجام آن مخیر باشد. قبل از اسلام، وضع زنان و دختران در عربستان رقت‌بار بود دختران در نظر پدران و زنان در نظر شوهران، موجودی ضعیف و بی‌ارزش و قابل تملک و معامله بودند. اختیارات مرد نامحدود بود. زن در محدوده منزل زندگی می‌کرد، ولی حق هیچ مداخله‌ای در امر زندگی نداشت. در این دوران فعالیت اقتصادی و اشتغال زنان مطرح نبوده است. (عبدالحمید، ۱۳۹۳، ص ۲۱). با ظهور اسلام، کرامت انسانی زن احیا شد و به عنوان نیمی از پیکره حیات بشری مطرح شد. زنان صدر اسلام در امور اجتماعی مشارکت داشتند. قرآن کریم به کسب و تلاش اقتصادی زنان تأیید کرده و مالکیت آنان را به رسمیت شناخته است (ر.ک.، نساء: ۱۲۳) و برای زنان از آنچه کسب کرده‌اند، بهره‌ای است. اشتغال زنان در عصر پیامبر ﷺ به شکل گسترده به چشم می‌خورد و در تمام مشاغل آن زمان رایج بود. برای مثال زینب دختر جحش به صنایع دستی اشتغال داشت. زنی به نام زینب، پزشک قبیله بنی داود بود و مریضان را مداومی کرد. زنانی بسیار به امرشانی و دامداری اشتغال داشتند و زنانی به تجارت مشغول بودند. (ابن اثیر، ۱۳۷۷، ۶۲۰/۴).

۳. حالات مختلف خروج زوجه

۳-۱. شرط ضمن عقد

اگر در ضمن عقد ازدواج، شرط شود که زن اجازه خروج از منزل را دارد یا عقد مبتنی بر این خروج واقع شود در این صورت خروج زن از منزل به اتفاق فقها بلاشکال خواهد بود. امام خمینی رحمته‌الله علیه در این خصوص می‌فرماید: «اگر در ضمن عقد، شرط اشتغال برای زن شده یا عقد مبنی بر این شرط واقع شده است زن می‌تواند به شغل خود ادامه دهد و شوهر نمی‌تواند مانع شود» (موسوی خمینی، ۱۳۷۲، ۳۵۶/۳).

۳-۲. خروج زن برای عمل واجب

در این زمینه نیز فقها، اعم از فقهای گذشته (محقق حلی، ۱۳۷۹، ص ۵۶۹؛ علامه حلی، ۱۴۱۳، ۱۰۸/۳ و ۱۰۹؛ شهید ثانی، ۱۴۱۶، ۴۴۶/۸، نجفی، ۱۳۶۲، ۳۱/۳۱۴) و فقهای حاضر (موسوی خمینی، ۱۳۸۷، ۲۲۸/۲؛ گلپایگانی، ۱۳۷۱، ۳۵۶/۲) همگی بر این باورند که خروج زن برای انجام اعمال واجب و در صورت ضرورت، نیازمند اذن همسر نیست. این حکم هم در مورد انجام فرایض دینی مانند حج واجب جاری است و هم در شرایطی که زن نیازمند خروج از منزل است مانند وقتی که مرد نفقه او را نمی‌پردازد و راهی نیز برای الزام او وجود ندارد.

۳-۳. خروج زن برای انجام عمل غیر واجب

در این حالت دو فرض وجود دارد که اختلاف فقها نیز در تفاوت قائل شدن و نشدن میان این دو فرض است.

اول) خروج زن منافی حق استمتاع مرد باشد

در این حالت، فقها بر یک قولند و همگی متفقند که زن در چنین حالتی نیازمند اذن همسر است؛ زیرا استمتاع از حقوق مرد و از لوازم ازدواج صورت گرفته است و زن حق ندارد مرد را از چنین حقی محروم کند. در این باره می‌توان به نظر فقهای بزرگی چون شیخ مفید، شیخ طوسی، علامه حلی، صاحب جواهر، امام خمینی رحمته‌الله علیه و سایرین اشاره کرد. (شیخ مفید، ۱۴۱۳، ۳۸؛ شیخ طوسی، ۱۳۷۸، ۳۳۱/۴؛ علامه حلی، ۱۴۱۳، ۱۰۸/۳؛ نجفی، ۱۳۹۲، ۳۱/۱۴۷؛ موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ۲۲۸/۲؛ شیخ فضل الله، ۱۳۶۷، ص ۹۲)

اول) خروج زن منافی حق استمتاع مرد نباشد

محل اشکال و اختلاف فقها در این مورد است؛ یعنی زمانی که زن قصد خروج از منزل را دارد و این خروج عقلاً و منطقیاً منافاتی با حق استمتاع مرد ندارد. در این حالت فقها دو نظر متفاوت دارند: یکی اینکه مشهور فقها معتقدند خروج زن از منزل برای انجام کاری غیر واجب به طور مطلق، حتی در صورتی که منافاتی با حق استمتاع مرد نداشته باشد، جایز نیست. (شیخ طوسی، ۱۳۸۶، ۳۳۱/۴؛

علامه حلی، ۱۳۸۵، ۱۰۸/۳؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳، ۱۰۸/۸؛ نجفی، ۱۴۰۴، ۲۵۱/۳۱. در این زمینه شیخ مفید می‌گوید: «برزن است که از شوهر خود اطاعت کند و او را در غیر آنچه که خداوند تعالی حرام فرموده، نافرمانی نکند و حق ندارد از منزلش بدون اذن وی خارج شود» (شیرازی، ۱۳۷۴، ص ۳). در میان فقهای معاصر نیز آیت‌الله تبریزی می‌فرماید: «خروج وی بدون اذن زوج علی‌الاحوط جایز نیست». آیت‌الله بهجت نیز می‌فرماید: «خارج شدن زن بدون رضایت شوهر از منزل جایز نیست مگر در امور واجب». همچنین آیت‌الله فاضل لنکرانی در پاسخ به استفتایی در باب خروج زن بی‌اذن همسر می‌فرماید: «بدون اجازه حرام است برود». آیت‌الله خامنه‌ای نیز می‌فرماید: «در خروج زن از خانه بدون اجازه شوهر جایز نیست».

۴. جواز خروج زن

در مقابل قول مشهور، برخی دیگر از فقها معتقدند که خروج زن از منزل تا زمانی که منافاتی با حق تمتع مرد نداشته باشد، بلاشکال است. (جناتی، ۱۳۸۱، ۱۰۵/۲) در این میان فقهایمانند آیت‌الله خوبی اگرچه در نهایت از باب احتیاط، نظر مشهور را برگزیده است، ولی در مقام فتوا، عدم جواز خروج زن از منزل را منوط به منافات داشتن آن با حق کام‌جویی شوهر دانسته و می‌فرماید: «در صورتی که خروج زن از منزل با حق کام‌جویی شوهر منافات داشته باشد، خروج وی از منزل بدون اذن شوهر جایز نیست» (خوبی، ۱۴۱۰، ۲۸۹/۲). سید محمد حسین فضل‌الله در این باره معتقد است: «اکثر فقهای اهل سنت و شیعه فتوا می‌دهند که مرد می‌تواند در صورتی که همه مایحتاج همسرش را تهیه نماید او را به‌طور ابد در خانه زندانی کند، اما ما در این مسئله با آنها مخالف هستیم و مشروع بودن این امر را رد می‌کنیم. ما می‌گوییم هرگاه خروج زن با حق کام‌جویی شوهر منافات داشته باشد فقط در این صورت خروج زن از منزل بدون اذن شوهر جایز نیست، اما در حالت‌های دیگر مانند اینکه شوهر در مسافرت یا سرکار باشد و مانند آن، خروج زن از منزل بدون اذن شوهر جایز است حتی اگر شوهر او را منع کند» (فضل‌الله، ۱۳۶۷، ص ۹۲). آیت‌الله مکارم شیرازی نیز در پاسخ استفتایی در رابطه با خروج زن از منزل بدون اذن همسر با وجود بیان جواز، احتیاط کرده و می‌فرماید: «در صورتی که منافات با حق زوج نداشته باشد، احتمالاً

بتواند، ولی احتیاط در ترک آن است و در صورتی که زن در عقد ازدواج چنین حقی را برای خود قایل شده باشد، اشکال ندارد» (شیرازی، ۱۳۷۴، ص ۳).

۵. ادله فقهی قائلان به عدم جواز خروج

۱-۵. آیات

آیات قرآنی اشاره مستقیمی بر این امر ندارند، اما به دلالت می‌توان چنین نکته‌ای را از آنها دریافت. «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ؛ مردان سرپرست زنانند به دلیل آنکه خدا برخی از ایشان را بر برخی برتری داده و [نیز] به دلیل آنکه از اموالشان خرج می‌کنند» (نساء: ۳۴). برخی مفسرین از این آیه، مطلق قیومیت را استفاده کرده‌اند. فاضل مقداد در این باره می‌گوید: «مردان بر زنان ولایت دارند، سیاست و امر و نهی آنها با مردان است» (فاضل مقداد، ۱۴۲۲، ۲/۲۱۱). طبرسی نیز در تفسیر خود ذیل این آیه می‌گوید: «مردان سرپرست زنان بوده و بر آنان سلطه دارند، تدبیر امور زنان، تأدیب، وادار کردن آنها بر انجام تکالیف و تعلیم آنها برعهده مردان است» (طبرسی، ۱۴۱۳، ۲/۴۳). «وَ قَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَ لَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى؛ در خانه خود بمانید و همانند زنان دوران جاهلیت نخستین با خودنمایی ظاهر نشوید» (احزاب: ۳۳). تعدادی از فقها برای ممنوعیت خروج زنان از منزل به این آیه استناد کرده‌اند (مشکینی، ۱۳۹۶، ۱۶۸).

۲-۵. روایات

روایات و سیره وارده از رسول خدا ﷺ و امامان پس از ایشان، مکمل و مفسر قرآن و احکام الهی خواهد بود.

- صحیحہ علی بن جعفر: علی بن جعفر در کتاب خود می‌نویسد: «از او (امام کاظم علیه السلام) درباره زن پرسیدم که آیا بدون اذن شوهرش می‌تواند خارج شود؟ فرمود: نه». (حرعاملی، ۱۴۱۶، ۱۴/۱۳)

- معتبره محمد بن مسلم: امام باقر علیه السلام فرمود: «زنی به محضر پیامبر صلی الله علیه و آله رسید و عرض کرد: ای پیامبر خدا حق مرد برگردن زن چیست؟ ایشان فرمود: بر اوست که از شوهرش اطاعت کند، از خانه او بدون اذنش صدقه‌ای ندهد، بدون اذن او روزه مستحبی نگیرد، [از نظر جنسی] خود را از شوهرش دریغ

نکند، حتی اگر [با شوهرش] در کجاوه شتر باشند و از خانه‌اش بدون اذن شوهرش خارج نشود. اگر هم بی اذن خارج شود تا زمان بازگشت، فرشتگان آسمان و فرشتگان زمین و فرشتگان غضب و فرشتگان رحمت لعنتش می‌کنند».

- مؤثقه سکونی: امام صادق علیه السلام نقل کرد: «پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: هر زنی که از خانه‌اش بی اذن خارج شود [استحقاق] نفقه ندارد تا اینکه بازگردد». (شیخ صدوق، ۱۴۰۴، ۴۳۹/۳)

۵-۳. اجماع

یکی از کسانی که در این زمینه به اجماع استناد کرده است، ملا عبدالاعلی سبزواری است که در باب نکاح یکی از اسباب تحقق نشوز را خروج بی اذن زن از خانه دانسته است. (سبزواری، ۱۳۸۱، ۲۱۹/۲۵)

۵-۴. ملازمه عقلی

شهید ثانی در این باره می‌گوید: «حق استمتاع بر زن واجب است. این حق اختصاص به زمان یا مکان خاصی ندارد، پس زن نمی‌تواند کاری برخلاف این حق شوهر انجام بدهد مگر اینکه از او اذن گرفته باشد. یکی از کارهایی که با این حق شوهر منافات دارد، خروج از منزل است، حتی اگر این خروج برای عیادت بستگان یا تشییع جنازه آنها باشد؛ زیرا این کارها حداکثر ارزشی که دارند این است که مستحب هستند، اما رعایت حق شوهر واجب است. بنابراین، باید حق شوهر را که واجب است بر اعمالی مثل عیادت و تشییع جنازه مقدم بدارد». (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ۳۳۷/۸) آیه ۲۳۱ سوره بقره و ۲ سوره طلاق: «فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ؛ زنانان را به شایستگی نگاه دارید». این آیه در مورد طلاق و رجوع در طلاق است، اما خصوصیتی در این مورد خاص ندارد و ناظر بر تمام شرایط زوجیت است که بر مرد لازم است با همسرش معاشرت به نیکی داشته باشد. محدود کردن زن به حضور در منزل و اجازه خروج ندادن به او، خارج از دایره حسن معاشرت است.

۵-۵. اصل اباحه

قائلان بر این نظر، ادله عدم جواز را کافی نمی‌دانند و برای رفع شک به وجود آمده به سراغ اصله اباحه می‌روند. از نظر ایشان فرض این است که خروج زن منافاتی با حق کام‌جویی شوهر ندارد. بنابراین،

در صورت تمام نبودن ادله حرمت خروج، مقتضای اصل، جواز و اباحه خروج است. (نجفی، ۱۳۹۱، ص ۱۱۸)

۵-۶. قاعده لاضرر و لاجرح

بنابر نظر این عده از فقها، خارج نشدن زن از خانه ممکن است موجب ضرر یا حرج زن شود. محمدحسین فضل‌الله در این رابطه می‌گوید: «اینکه مرد حق داشته باشد که زنش را به‌طور ابد زندانی کند بزرگ‌ترین حرج برای زن است، خواه مرد این حق را اعمال کند». (فضل‌الله، ۱۳۶۷، ص ۹۲).

۶. بررسی ادله

۱-۶. قائلان عدم جواز خروج زن

اول، آیات

در آیه قوامیت، مراد از قوامیت مورد نظر متفاوت است با آنچه که برخی از مفسرین در این رابطه بیان کرده‌اند.

قول غالب نیست. در این زمینه علامه طباطبایی در بیان معنای قوامیت می‌فرماید: «قیومت مرد بر زن به این معنی نیست که اراده و تصرف زن نسبت به ملکش نافذ نباشد یا آنکه زن در حفظ حقوق فردی و اجتماعی خود استقلال نداشته باشد بلکه معنایش این است که مرد به‌خاطر اینکه در مقابل استمتاع از زن، انفاق مالی می‌کند بر زن است که از او هنگام حضورش در مورد هر آنچه که مربوط به استمتاع و آمیزش است، اطاعت نماید». (طباطبایی، ۱۳۸۲، ۴/۳۴۳)

شیخ طوسی در ارتباط با این آیه می‌گوید: «آیه به این معناست که مردان متکفل و عهده‌دار حقوق زنان هستند؛ یعنی حقوقی که به نفع آنان به‌عهد مردان است». (شیخ طوسی، ۱۳۸۶، ۴/۳۲۴)

آیت‌الله جوادی‌آملی نیز قوامیت مرد را نوعی تکلیف و مسئولیت برای او می‌داند. ایشان می‌فرماید: «قیومت در زبان قرآن به معنای فرمان‌روایی و سالارگری نیست بلکه به معنای سرپرستی و مدیریت و مسئولیت‌پذیری است و چنین قیومتی نه تنها مقام نیست که باربرداری و خدمت‌گزاری است». در نتیجه باید گفت که آیه فوق دلالتی بر سیطره و سلطه بی‌قید و شرط مرد بر زن و لزوم اطاعت مطلق زن

از شوهر ندارد و به تبع آن دلالتی بر عدم جواز خروج زن از منزل بدون اذن شوهر در صورت عدم منافات با استمتاع شوهر ندارد. آیه دوم نیز دلالتی بر حق شوهر نسبت به همسر در مورد اذن خروج از منزل ندارد و در مقام بیان معیارهای عفاف و حجاب است.

دوم) روایات

- صحیحہ علی بن جعفر: این روایت دلالت خاص بر مورد مدنظر ندارد، اما به جهت اطلاقی که دارد، می تواند بر مدعا دلالت کند. هر چند مراد گوینده در این روایت مشخص نیست که آیا خروج از منزل مدنظر است یا امر دیگری. (علیدوست، ۱۳۹۰، ۱۵/۱۲) از طرف دیگر، برخی در سند این روایت نیز خدشه وارد کرده اند و گفته اند از آنجا که این روایت تنها در *بحار الانوار* آمده است و سند آن مشتمل بر احمد بن موسی بن جعفر بن ابی العباس و علی بن حسن بن علی است که از سوی دانشمندان علم رجال به نحو خاص یا عام توثیق نشده اند سندیت آن ضعیف است (نجفی، ۱۳۹۱، ص ۱۱۴).

- معتبره محمد بن مسلم: سند این روایت معتبر است، اما باید از نظر دلالت، بررسی شود. معلوم نیست مراد از لعن و نفرین فرشتگان که به عنوان مجازات خروج بدون اذن زن از منزل قلمداد شده است، کراهت شدید است یا حرمت و این تعبیری است که تفاوت آن در کلام فقها نیز احساس می شود چنانچه برخی خروج زن از منزل بدون اذن همسر را جایز ندانسته و برخی حرام دانسته اند. ظهور یا عدم ظهور تعبیر لعنت در معنای حرمت، یکی از چالش های دامنه دار فقهی است که بررسی کامل آن از مجال این مقال خارج است. (علیدوست، ۱۲، ۱۵/۱۳۹۰)

- مؤثقه سکونی: این روایت بیان یک حکم وضعی در مورد نشوز و عدم وجوب نفقه در این رابطه است و یافتن ملازمه ای خردپسند بین این حکم وضعی و حکم تکلیفی حرمت خروج کار ساده ای نیست. (علیدوست، ۱۳۹۰، ۱۵/۱۲).

سوم) اجماع

مشخص است که با وجود تفاوت آرای که وجود دارد، اجماع معنا نمی یابد با آنکه اجماع بیان شده، مدرکی نیز ندارد.

الف) ملازمه عقلی

ملازمه بیان شده، بیشترین محل چالش میان دو نظر است. برخلاف قول بیان شده از شهید ثانی، صاحب مدارک در جایی می‌گوید که برخی از فقها حج استحبابی زن را به خاطر تنافی با حق استمتاع همسرش مشروط به اذن شوهر کرده‌اند، اما او در مقام نقد این استدلال معتقد است دلیل این فقها اخص از مدعیان است؛ زیرا مواقعی که شوهر به هر دلیلی امکان استمتاع نداشته باشد، حج استحبابی زن با حقوق شوهر تنافی ندارد تا به اذن او مشروط شود. بنابراین، حج زن فقط زمانی مشروط به اذن شوهر است که شوهر امکان استمتاع داشته باشد. (عاملی، ۱۴۱۱، ۹۴/۷) آنچه در این میان مطرح می‌شود امکان وقوع استمتاع مرد است و زمانی که این امکان وجود نداشته باشد ملازمه‌ای در میان نخواهد بود.

۶-۲. قائلان به جواز خروج زن از منزل

اول) آیه

آیه امر به معاشرت به معروف با زنان ممکن است در مدعی مدنظر دلالت نداشته باشد و آن زمانی است که حکم به محدود کردن زنان، واجب باشد. در چنین شرایطی برخوردی اینچنین، مخالف با معروف نخواهد بود و عمل به دستور الهی است، اما چنان چه گذشت از هیچ‌یک از آیات بیان شده چنین نکته‌ای به دست نمی‌آید.

دوم) اصل اباحه

شاید در این میان جایی برای اجرای اصل نباشد؛ زیرا ادله بیان شده، می‌تواند دلالت لازم بر مدعی مورد نظر را روشن کند. در این زمینه نیز مطابق قاعده سلطنت، هرکس مادامی که از چارچوب شریعت خارج نشود بر خویشتن خویش مسلط است. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ۳۶/۲) در این رابطه زن نیز مانند همه افراد بر اعمال و رفتار خود تسلط دارد. تنها تفاوت او با دیگران در این است که چون بر اساس قرارداد نکاح، زن موظف به ادای حقوق شوهر شده است در مواردی که خروج او از خانه یا هر عمل دیگرش با

آن وظیفه تنافی پیدا کند باید از شوهر اذن بگیرد تا امکان استیفای حقوق وی نیز وجود داشته باشد (علیدوست، ۱۲، ۱۳۹۰/۱۵).

سوم) قاعده لاضرر و لاجرح

باید دانست آیا آسیبی که با خارج نشدن زن از خانه به زن وارد می شود مصداق عنوان ضرر یا ضرار و یا حرج شمرده می شود یا نه. خارج نشدن از خانه ممکن است برای یک زن فقط آسیب روانی و فشار روحی داشته باشد، برای زن دیگری موجب بی آبرویی شود، برای زن دیگری موجب کاهش منفعتی شود که آن منفعت با خروج از خانه می توانست بیشتر از این باشد، برای زن دیگری موجب انتفای منفعتی شود که آن منفعت با خارج شدن از خانه به دست می آمد و برای زن دیگری موجب کاهش دارایی موجودش شود. کدام یک از این موارد مصداق ضرر، ضرار یا حرج شمرده می شود؟ تفصیل مسئله خروج زن از خانه این است که مردی که با منع خروج همسرش از خانه موجب از بین رفتن دارایی موجود او مثل ارث یا با منع از بین رفتن او به دادگاهی که حفظ آبرویش به آن دادگاه وابسته است موجب از بین رفتن آبروی او می شود و یا باعث از بین رفتن زحمات که در پی آموختن علمی کشیده تا برای مثال دکتر و یا معلم و... در یکی از چهار فرض زیر قرار دارد:

- اگر مرد به همسرش اذن خروج بدهد خودش متضرر می شود؛

- اگر مرد به همسرش اذن بدهد متضرر نمی شود، اما سودی را از دست می دهد (عدم

النفع)؛

- اگر مرد به همسرش اذن بدهد نه دچار ضرر می شود و نه دچار عدم النفع. قصد او از ندادن

اذن فقط زیان رساندن به همسرش است؛

- مرد با اذن دادن به همسرش نه دچار ضرر می شود نه دچار عدم النفع و نه قصد

زیان رساندن به همسرش را دارد بلکه بیهوده و بی جهت همسرش را منع می کند.



در چنین شرایطی در فرض اول و دوم در مسئله خروج زن از خانه نیز باید مانع شدن مرد از خروج زن را روادانست و او را در برابر زیان‌های همسرش ضامن هم ندانست. براساس استدلال منسوب به مشهور در فروض اول و دوم اگر مرد همسرش را منع نکند برای خودش موجب حرج است، پس مرد طبق قاعده لاجرح و برای دفع حرج از خودش می‌تواند همسرش را منع کند، اما قاعده لاضرر که او را از اضرار به همسرش منع می‌کند حق منع کردن او را منتفی می‌کند. در تعارض این دو قاعده، قاعده لاجرح که منع کردن مرد را جایز می‌کند، مقدم است اگر هم تقدم قاعده لاجرح پذیرفته نشود هر دو قاعده پس از تعارض تساقط می‌کنند و مرد دوباره به همان وضعیت فرض عدم ضرر باز می‌گردد و می‌تواند مانع از خروج همسرش شود. در فرض سوم و چهارم نیز به اقتضای قاعده لاضرر، مانع شدن مرد از خروج زن را حرام و او را ضامن زیان‌های همسرش می‌دانند. البته نکته‌ای که در این میان مطرح است دیدگاه متفاوت فقها در مورد معتبر بودن ضرر و حرج در نوع افراد یا شخصی بودن آن است.

۷. جمع بندی آرا

براساس آنچه که گذشت، خروج زن از منزل در صورتی که مخالف حق استمتاع مرد باشد نیازمند اذن شوهر است و مسلم است در صورتی که زن تصمیم به رفتن به مسافرت یا دوری چندین روزه از خانه داشته باشد چنین اتفاقی خواهد افتاد و این بدان معناست که زن برای سفر و دوری چند وقتیه از منزل، باید اذن همسر را داشته باشد و این امری است که فقها در آن متفقند، اما اختلاف نظر میان فقها در شرایطی است که خروج زن از منزل، منافاتی با حق تمتع مرد از نظر عقلی و منطقی نداشته باشد؛ حال به دلیل درسفر بودن مرد و یا... در چنین شرایطی آنچه از مجموع اختلاف نظر فقها و ادله بیان شده آنها در این مورد به دست می‌آید را می‌توان چنین خلاصه کرد:

دلیل مستند، مستدل و خدشه‌ناپذیری بر عدم جواز خروج زن بدون اذن همسر وجود ندارد و تنها دلیل معتبر موجود، روایتی است که به نحو مطلق بر این امر دلالت دارد. از طرف دیگر، این باور وجود دارد که پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام در تبیین احکام اجتماعی اسلام روش‌ها و رویکردهایی داشتند که

موجب تبدیل شدن این احکام به فرهنگ یا عادات رفتاری مردم می‌شد. در این راستا در جامعه آن روزگار، مواجهه زنان با چنین حکمی، پرسش‌ها و ابهامات فراوانی را به دنبال داشت. اینکه مردان در آن دوره، بیشتر زمانشان در سفر، جنگ و یا تجارت و به دور از خانواده می‌گذشت، مشکل زنان را در این زمینه دو چندان می‌کرد؛ بدین معنا که باید سؤالاتی به مراتب بیشتر و دقیق‌تر در این خصوص وجود داشته باشد. درحقیقت این کثرت ابتلا، مستلزم آن بوده است که مبینان شریعت، مطلوب خود را با روایات فراوانی بیان کنند در صورتی که چنین اتفاقی در میان روایات وارده در این باب دیده نمی‌شود و جز چند روایت که تعدادی از آنها نیز معتبر نیستند، سند روایی دیگری نیست.

این بدان معناست که اندک بودن معنادار روایات و فقدان چنین پرسش و پاسخ‌هایی در میان احادیث شاید نشانه این باشد که پیروان ائمه اطهار چنین برداشتی از کلمه خروج در تعالیم آنها نداشته‌اند بلکه یا از خروج همان خروج بی بازگشت و خروج بلندمدت را برداشت کرده‌اند یا یک توصیه اخلاقی بدون التزام فقهی را. در نتیجه به نظر می‌رسد لازم است مروری مجدد در باب احکام خروج زنان در شرایطی که تضادی با حق استمتاع مرد نداشته باشد، انجام شود. مروری ناظر بر تمام جوانب امر و با رویکرد حل مسئله و نه مسئله‌سازی بیشتر.

۸. تزام کاری زوجه با اذن شوهر در فتوای فقها

۸-۱. فتوای فقه‌های شیعه

رأی فقه‌های شیعی در بحث اجاره، مختلف است. فقه‌های شیعی مانند سید یزدی در *عروه‌الوثقی* و سید حکیم در *مستمسک* گفته‌اند: «اگر زن برای خدمت در مدت معینی [تعهد و توان خود را] اجاره دهد و پیش از انقضای این مدت، ازدواج کند، اجاره [و تعهد] باطل نمی‌شود، حتی اگر خدمت منافعی بهره‌جویی شوهر و حقوق زناشویی باشد. در این حکم تفاوتی نیست شوهر در هنگام ازدواج، تعهد زن را بداند یا نداند؛ زیرا دو حق اینجاست: حق خدمت و حق شوهر. اگر زن بتواند هر دو را انجام دهد که خوب و اگر جمع میان آن دو ممکن نباشد و تزام کند، حق پیشتر که تعهد خدمت است، مقدم است، چون اگر حقوق شرعی مزاحم هم شوند ترجیح با حق سابق است. بنابراین، شوهر حق اعتراض

یا فسخ تعهد زن را ندارد و همسر ناشزه محسوب نمی‌شود، اما اگر پس از ازدواج، تعهد خدمت دهد و با حق شوهر منافات داشته باشد، بدون اذن و اجازه شوهر، تعهد خدمت درست نیست. تعهد با حق بیرون رفتن زن از خانه بنابر نظر فقها بسته به اجازه همسر است مگر اینکه پدر و مادر زن بیمار باشند و یا زن بخواهد به دیدن آنها برود. اگر زن بدون اجازه همسر از خانه بیرون رود فقها معتقدند وی ناشزه است و مجازات وی عدم وجوب پرداخت نفقه است. بدین ترتیب کارکردن زن بیرون از خانه مشروط به رضایت همسر است. از این رو بسیاری از زنان به دنبال کار خارج از خانه نیستند؛ زیرا نمی‌خواهند نافرمانی همسر را کرده، حق دریافت نفقه را از دست بدهند. همچنان که پیشتر وضع زندگی بدین دشواری نبود، طرح‌های آزادسازی زن از راه کارکردن هنوز محقق نشده است. تعهد قرائت قرآن یا بافتن پیراهن با نخ کاموا یا پشم را بدهد شوهر مطلقاً منافات ندارد اجاره [و تعهد] صحیح است حتی اگر شوهر اذن ندهد». (طباطبایی یزدی، ۱۳۹۶، ۸۰/۵؛ طباطبایی حکیم، ۱۳۹۱، ۳۰/۱۲)

۸-۲. فتوای برخی از فقهای اهل سنت

کاسانی از فقهای بزرگ حنفی می‌گوید: «از جمله حقوق مرد پس از ازدواج این است که زن در خانه بماند و کار نکند و تأمین نیازهای زن بر عهده مرد باشد» (علاءالدین الکاسانی، ۱۳۸۵، ۲۱۹۷/۵). «آشکارا معلوم است زنان نمی‌توانند کسب و کار کنند. کار زنان موجب فتنه است» (السرخسی، ۱۳۲۴، ۱۸۵/۵). بیرون رفتن زن از خانه بنابر نظر فقها بسته به اجازه همسر است مگر اینکه پدر و مادر زن بیمار باشند و یا زن بخواهد به دیدن آنها برود. اگر زن بدون اجازه همسر از خانه بیرون رود فقها معتقدند وی ناشزه بوده مجازات وی عدم وجوب پرداخت نفقه است. بدین ترتیب کارکردن زن بیرون از خانه، مشروط به رضایت همسر است. از این رو بسیاری از زنان به دنبال کار خارج از خانه نیستند؛ زیرا نمی‌خواهند نافرمانی همسر را کرده، حق دریافت نفقه را از دست بدهند.

نظر ابوحنیفه: «زنان می‌توانند قاضی شوند، اما در مواردی که نمی‌توانند شهادت و گواهی دهند؛ یعنی در حدود و جنایات، نمی‌توانند قاضی باشند». (ماوردی، ۱۹۶۶، ص ۶۵)

نظر طبری: امام ابن جریر طبری، قضاوت زن در تمام احکام را رومی داند. (ابن قدامه، ۱۳۸۸ق، ۳۶/۱) با اینکه منصب قضا در جامعه اسلامی از مهمترین و خطیرترین مناصب است. اگر کارکردن زن، نقصان یا آسیبی به حق شوهر نرساند یا به خروج از خانه نیانجامد، علما اجازه داده‌اند و افزوده‌اند: «اگر زن، حرفه‌ای مثل مامایی دارد که از وجوب کفایی زنان است، شوهر نمی‌تواند مانع بیرون رفتن وی از خانه شود» (کمال سید سالم، ۱۳۹۷، ۱۷۸/۲).

۹. نتیجه‌گیری

اسلام با شرایطی که مقرر شده است با اشتغال زنان مخالف نیست، ولی در تعارض میان کار زنان و اذن همسر نگاه اسلام به کار زنان متفاوت است. سعی بر آن است که در کنار اشتغال زنان، ارزش‌های بنیادین و اساسی، صیانت و حمایت شود. البته در این موضوع درباره مردان نیز صادق است و منحصر به زنان نیست. در اسلام هیچ معنی بر اشتغال زنان نیامده است، اما قاعده تراحم و اهم و مهم وجود دارد که اگر میان اهم و مهم، تراحم پیدا شد از نظر شرعی، عقلی و نقلی، اهم مقدم بر مهم است. با همین قاعده، ارزش‌هایی مثل نهاد خانواده که در اسلام اهمیتی بنیادین دارد، حفظ می‌شود. (حرعاملی، ۱۴۱۶، ۵۹۲/۲۰) گاه نیز موقعیتی پیش می‌آید که شخص نمی‌تواند دو وظیفه را همزمان با هم انجام دهد و ناچار است یکی را فدا کند. در این موارد که از آن به تراحم تعبیر می‌شود عقل حکم می‌کند که باید مهم را فدای اهم کرد؛ یعنی وظیفه‌ای را انجام دهد که اهمیت بیشتری دارد و وظیفه دیگر را ترک کند.

در جامعه اسلامی تشخیص به‌عهده ولی فقیه است و در خانواده به‌عهده مرد البته در صورتی که شرایط را داشته باشد؛ یعنی رئیس خانواده است. البته مسئله تراحم دجایی مطرح است که دو طرف تراحم، وظیفه باشد؛ یعنی مسئله تراحم در صورتی با امر اشتغال ارتباط پیدا می‌کند که داشتن شغل، وظیفه زن باشد. (شکوری، ۱۳۸۴، ص ۲۳) در نتیجه اسلام با کار زنان با شرایطی که مقرر شده است، مخالف نیست، ولی در تعارض میان کار زنان و اذن همسر، اسلام راهکارهایی مثل شروط ضمن عقد قرار داده است و همچنان به رسالت مادری و همسری زن ارزش بنیادین و اساسی نهاده است تا از صیانت زن و کانون گرم خانواده حمایت کند.

فهرست منابع

* قرآن کریم

۱. ابن اثیر، علی بن محمد بن عبدالکریم بن عبد الواحد الشیبانی (۱۴۰۹)، *اسد الغابه*. تهران: مکتب الاسلامیه.
۲. ابن فارس، احمد بن فارس (۱۴۰۴)، *معجم مقاییس اللغه*. قم: مکتب الاعلام الاسلامیه.
۳. ابن قدامه، عبدالله بن احمد (۱۴۱۵)، *قاموس المحيط*. بیروت: دارالکتب العربی.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴)، *لسان العرب*. بیروت: دار صادر.
۵. ابومالک کمال، سید سالم (۱۳۹۷)، *فقه السنه*. مترجم: صالحی، علی آقا. بی جا: بی نا.
۶. جمال الدین، حسن بن زین الدین (۱۳۶۵)، *معالم الدین و ملاذ المجتهدین*. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۷. جناتی، محمد ابراهیم (۱۳۸۱)، *رساله توضیح المسائل*. قم: انتشارات انصاریان.
۸. جواد علی (۱۹۷۶)، *المفصل فی تاریخ العرب قبل السلام*. بیروت: دارالعلم للملایین و مکتبه النهضه.
۹. جوهری، ابونصر (۱۴۰۴)، *الصحاح تاج الفه و صحاح العربیه*. (نرم افزار) کتابخانه مدرسه فقاها.
۱۰. حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۶)، *تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*. قم: مؤسسه آل بیت علیهم السلام.
۱۱. حلّی، حسن بن یوسف (۱۳۸۵)، *قواعد الاحکام فی معرفه الحلال و الحرام*. قم: نشر جامعه المدرسین.
۱۲. خوانساری، سید احمد (۱۳۵۵)، *جامع المدارک فی شرح المختصر النافع*. مترجم: غفاری، علی اکبر. تهران: مکتبه الصدوق.
۱۳. خوبی، سید ابوالقاسم (۱۳۷۸)، *منهاج الصالحین*. قم: نشر دنیای کتاب.
۱۴. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، *لغت نامه*. تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.
۱۵. سبزواری، محمد باقر بن محمد مؤمن (۱۳۸۱)، *کفایه الفقه*. قم: نشر جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۱۶. السرخسی، محمد بن احمد (۱۴۲۲)، *المبسوط فی الفقه*. بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
۱۷. شکوری، ابوالفضل (۱۳۸۴)، *زن و مسئله پوشش و نگاه*. قم: انتشارات بوستان کتاب.
۱۸. شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۳)، *مسالك الأفهام الی تنقیح شرائع الاسلام*. قم: مؤسسه معارف اسلامیه.
۱۹. شیخ صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی (۱۳۶۳)، *من لایحضره الفقیه*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۰. شیخ طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۱)، *مبسوط*. تهران: مکتب المرتضویه.
۲۱. شیخ مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳)، *احکام النساء*. قم: دارالمفید.
۲۲. شیخ طوسی، محمد حسن (۱۳۸۶)، *المبسوط فی فقه امامیه*. قم: انتشارات الجماعه المدرسین.
۲۳. شیخ طوسی، محمد حسن (۱۳۸۶)، *المبسوط فی فقه امامیه*. قم: انتشارات الجماعه المدرسین.
۲۴. شیرازی، مکارم (۱۳۷۴)، *احکام النساء*. قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب علیهم السلام.
۲۵. طباطبای بزدی، سید محمد کاظم (۱۳۷۰)، *حاشیه مکاسب*. قم: نشر اسماعیلیان.
۲۶. طباطبایی، سید محسن حکیم (۱۳۹۱)، *مستمسک العروه الوثقی*. قم: مؤسسه دارالتفسیر.
۲۷. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۸)، *المیزان فی تفسیر القرآن*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۸. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۸۲)، *تفسیر المیزان*. مترجم: موسوی، سید محمد باقر. قم: انتشارات اسلامی.
۲۹. طباطبایی بزدی، سید محمد کاظم (۱۳۹۲)، *غایه القصوی فی ترجمه عروه الوثقی*. تهران: انتشارات المکتبه المرتضویه لاحیاء الازار الجعفریه.
۳۰. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۸۴)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: انتشارات ناصر خسرو.

۳۱. علیدوست، ابوالقاسم، و عشایری منفرد، محمد (۱۳۹۰). بازپژوهی خروج از منزل بدون اذن شوهر از منظر قاعده لاضرر. *نشریه مطالعات راهبردی زنان*، ۱۵(۱۳).
۳۲. فاضل مقداد، مقدادبن عبدالله سیوری (۱۳۸۵). *کنزالعرفان فی فقه القرآن*. قم: مکتب نوید اسلام.
۳۳. فضل الله، محمدحسین (۱۳۶۷). *دنیا المرأة*. بیروت: دارالملک.
۳۴. فیروزآبادی، محمدبن یعقوب (۱۹۷۹). *القاموس المحيط*. بیروت: مرکز نشر مکتب الاعلام الاسلامی التراث العربی.
۳۵. الکاسانی، علاءالدین ابوبکر (۱۳۸۵). *بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع*. قم: انتشارات بنیاد موقوفات دکتر افشار.
۳۶. ماوردی، علی بن محمد (۱۹۶۶). *الاحکام السلطانیة*. بیروت: دارالفکر.
۳۷. مجموعه مقالات سمینار زن در جامعه.
۳۸. محقق حلی، ابوالقاسم نجم الدین جعفر بن حسن هذلی (۱۳۸۳). *شرایع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام*. تهران: نشر استقلال.
۳۹. مشکینی، علی (۱۳۹۳). *از دواج در اسلام*. مترجم: جنتی، احمد. قم: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحديث.
۴۰. مطهری، مرتضی (۱۳۷۸). *آشنایی با علوم اسلامی*. قم: صدرا.
۴۱. مغنیه، محمدجواد (۱۹۶۵). *الفقه علی المذاهب الخمسه*. بیروت: دارالعلم للملایین.
۴۲. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۶). *بحوث فقیهه هامة*. قم: انتشارات امام علی بن ابی طالب.
۴۳. مؤسسه دایره المعارف الفقه الاسلامی (۱۴۲۳). *موسوعه الفقه الاسلامی طبقاً لمذهب اهل البيت علیهم السلام*. قم: مؤسسه دایره المعارف الفقه الاسلامی.
۴۴. الموسوی العاملی، محمدبن علی (۱۳۹۲). *مدارک الاحکام*. مشهد مقدس. نشر آل البيت علیهم السلام.
۴۵. موسوی خمینی، روح الله (۱۳۷۲). *استفتائات*. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۴۶. موسوی خمینی، روح الله (۱۳۷۸). *البیع*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیهم السلام.
۴۷. موسوی خمینی، روح الله (۱۳۷۸). *تحریر الوسیله*. قم: مؤسسه تنظیم و نشر امام خمینی علیهم السلام.
۴۸. موسوی گلپایگانی، محمدرضا (۱۳۷۱). *هدایه العباد*. قم: دارال قرآن الکریم.
۴۹. نجفی، زین العابدین (۱۳۹۱). *خروج زن از منزل و اذن شوهر از منظر فقه امامیه*. *نشریه فقه و مبانی حقوق اسلامی*، شماره ۲.
۵۰. نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴). *جواهر الکلام*. بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
۵۱. نوروزی، علیرضا، و مریدی، سیاوش (۱۳۷۳). *فرهنگ اقتصاد*. تهران: انتشارات نگاه.